



دعای ابو حمزه ثمالی

اعمال مشترکه ماه رمضان: قسم سوم اعمال سحرهای ما رمضان؛ چهارم در مصباح شیخ است که روایت کرده ابو حمزه ثمالی که حضرت امام زین العابدین علیه السلام در ماه رمضان بیشتر از شب را نماز می کرد و چون سحر می شد این دعا می خواند

إِلَهِي لَا تُؤَدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ وَلَا تَمَكِّرْ بِي فِي حِيلَتِكَ مِنْ أَيْنَ لِي الْحَيْرُ يَا رَبِّ

خدایا مرا به عقاب خود ادب مفرما و به مجازات عملم به مکر و حیلها به عقوبت ناگهانیت غافلگیر مکن و مبتلا مگردان ای خدا کجا خیری توانم یافت

وَلَا يُوْجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ وَمِنْ أَيْنَ لِي الْجَاهُ وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ

در صورتی که خیر جز پیش تو نیست و از کجا راه نجاتی خواهم جست و حال آنکه جز به لطف تو نجات میسر نیست

لَا الَّذِي أَحْسَنَ اسْتَعْنَى عَنْ عَوْنِكَ وَرَحْمَتِكَ وَلَا الَّذِي أَسَاءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ

ای خدا نه آنکس که نیکوکار است از یاری تو و لطف و رحمت مستغنی است و نه آنکه بدکار است و بر حکم تو بی باکی کرده



وَلَمْ يُرِضِكَ خَرَجَ عَنْ قُدْرَتِكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ

و به راه رضا و خوشنودیت نرفته از قدرتت بیرون است ای رب من ای رب من ای رب من

بگوید تا آنکه نفس قطع شود

بِكَ عَرَفْتُكَ وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ وَلَوْلَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ

من تو را به تو شناختم و تو مرا بر وجود خود دلالت فرمودی و بسوی خود خواندی و اگر تو نبودی من نمی دانستم تو چیستی

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيُجِيبُنِي وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ يَدْعُونِي

ستایش خدای را که من او را می خوانم و او اجابت می کند و هر چند وقتی که او مرا می خواند کندی و کاهلی می کنم

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي وَإِنْ كُنْتُ بَخِيلًا حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي

و ستایش خدای را که چون از او چیزی درخواست کنم به من عطا می کند و هر چند هنگامی که او از من قرض می خواهد من بخل می ورزم



وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَتِي وَأَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ لِسِرِّي بَغَيْرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي
حَاجَتِي

و ستایش خدای را که برای هر حاجتی هرگاه او را خواستم ندا خواهم کرد و هر وقتی برای راز و نیاز با او خلوت توانم کرد و بدون هیچ واسطه و شفیع حاجتم را روا می سازد

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَدْعُو غَيْرَهُ وَلَا دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي

سپاس خدای را که تنها او را به دعا می خوانم نه غیر او را و اگر از غیر او حاجت می خواستم دعایم مستجاب نمی کرد

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُو غَيْرَهُ وَلَا رَجَوْتُ غَيْرَهُ لِأَخْلَفَ رَجَائِي

و سپاس خدای را که به او چشم امید دارم نه به غیر او و اگر به غیرش امید می داشتم مرا ناامید می گردانید

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَلَنِي إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي وَلَمْ يَكِلْنِي إِلَى النَّاسِ فَيُهِينُونِي

ستایش خدای را که کار مرا به حضرتش وا گذاشت و گرامیم داشت و به غیرش وانگذاشت تا خوارم گرداند



وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي تَجَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي

ستایش خدای را که با من اظهار کمال دوستی فرمود با آنکه از من بی نیاز بود

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي حَتَّى كَأَنِّي لَا ذَنْبَ لِي فَرَبِّي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَأَحَقُّ بِحَمْدِي

و سپاس خدای را که از خطا و گناهانم حلم و بردباری کرد چنانکه گویی گناهی از من سر نزده است پس خدای من پیشم محبوب ترین موجود است و به حمد و ستایش من او را سزاوارتر از همه عالم است

اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ إِلَيْكَ (لَدَيْكَ) مُتْرَعَةً

ای خدا من راه حوایج خلق را بسوی تو باز می بینم و چشم های امید بندگان را به درگاهت پر آب می یابم

وَالِاسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمَّلَكَ مَبَاحَةً وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ لِلصَّارِحِينَ مَفْتُوحَةً

و یاری جستن به فضل و کرمت بر هر کس به تو آرزومند است مباح و آسان است و درهای دعای فریاد خواهان بسوی تو باز است



وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِي (لِلرَّاجِينَ) بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ وَلِلْمَلْهُوفِينَ (لِلْمَلْهُوفِ) بِمَرْصَدِ إِغَاثَةٍ

و محققا می دانم که تو آماده ای برای حاجت امیدوارانی و مراقب حال پریشان خاطران

وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَالرِّضَابِقْضَائِكَ عِوَضًا مِنْ مَنَعِ الْبَاخِلِينَ وَمَنْدُوحَةً عَمَّا فِي أَيْدِي
الْمُسْتَائِرِينَ

و می دانم که در نالیدن به درگاه جود و احسانت و در رضای به قضا و قدرت بهترین عوضی است از بخل مردم
بخیل و بی نیازی از اندوخته در دست دنیا طلبان است

وَأَنَّ الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ وَأَنَّكَ لَا تُحْتَجَّبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ تُحِبَّهُمُ (الْأَعْمَالُ) الْأَمَلُ
دُونَكَ

و هر که بسوی تو سفر کند راهش بسیار نزدیک و تو از نظر بصیرت خلق پنهان نیستی جز آنکه آمال و
آرزوهایی که به غیر تو دارند حجاب آنها از شهود جمالت گردیده است

وَقَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلْبَتِي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي

و من جویای توام و در حوایجم رو به تو آورده ام



وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِغَاثَتِي وَبِدُعَائِكَ تَوَسُّلِي مِنْ غَيْرِ اسْتِحْقَاقٍ لِاسْتِمَاعِكَ مِنِّي

و به درگاه تو استغاثه کرده و پناه می جویم و در دعای متوسل به لطف توام بدون آنکه لایق آن باشم که دعای مرا مستجاب کنی

وَلَا اسْتِجَابٍ لِعَفْوِكَ عَنِّي بَلْ لِيُثِقَّتِي بِكَرَمِكَ وَسُكُونِي إِلَى صِدْقِ وَعْدِكَ وَلَجِّبِي إِلَى الْإِيمَانِ
بِتَوْحِيدِكَ

یا مستوجب عفو و بخشش گردانی بلکه توجهم به تو به صرف کرم و احسان توست و اطمینان خاطر من به صدق وعده (لطف) تو و پناهم بر ایمان به یکتایی توست

وَيَقِينِي (وِثْقَتِي) بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي أَنْ لَا رَبَّ لِي غَيْرُكَ وَلَا إِلَهَ (لِي) إِلَّا أَنْتَ وَحَدَّكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ

و یقینم به معرفت حضرتت که می دانم مرا پروردگاری غیر تو نیست و جز تو خدایی نخواهد بود تو یکتا و بی شریکی

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ صِدْقٌ (الصِّدْقُ) وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ
رَحِيمًا

ای خدا تو خود فرمودی و سخن تو حق و وعده تو حقیقت است فرمودی هر چه می خواهید از خدا فضل و کرم بخواید که خدا به شما بندگان همیشه مهربان است



وَلَيْسَ مِنْ صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعَطِيَّةَ

و ای مولای من این از صفات نیست که بندگان را امر به سؤال کنی و چون سؤال کنند عطای خود را از آنها دریغ داری

وَأَنْتَ الْمَنَّانُ بِالْعَطِيَّاتِ عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحْنٍ رَأْفَتِكَ (بِحُسْنِ نِعْمَتِكَ)

و حال آنکه تو را بر اهل مملکت عطاها بی شمار است و بواسطه رأفت و محبتت بخلق نعمتت بآنها پی خواهد بود

إِلٰهِي رَبِّتَنِي فِي نِعْمِكَ وَإِحْسَانِكَ صَغِيرًا وَتَوَهَّتَ بِاسْمِي كَبِيرًا فَيَا مَنْ رَبَّنِي فِي الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ

ای خدا تویی که در انواع نعم و احسان هنگامی که کودکی بودم مرا پروراندی و در بزرگی هم سربلندی و نام نیکو دادی

وَتَفَضُّلِهِ (بِفَضْلِهِ) وَنِعْمِهِ وَأَشَارَ لِي فِي الْآخِرَةِ إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ

پس ای خدایی که مرا در دنیا به فضل و احسان و نعم بی پایان پرورش دادی و در آخرت اشارت به عفو و کرمتم فرمودی



مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي (دَلَّتْنِي) عَلَيْكَ وَحُبِّي لَكَ شَفِيعِي إِلَيْكَ

معرفتم به تو ای مولای من دلیل و رهبر من بسوی توست و محبتم نزد حضرتت واسطه و شفیع من است

وَأَنَا وَاثِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلَى شَفَاعَتِكَ

و من از دلیل خود چون تو راهنمای منی مطمئنم و از شفیعم چون تو می پذیری دلم آرام است

أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ رَبِّ أَنَا حِيكَ بِقَلْبٍ قَدْ أُوْبَقَهُ جُرْمُهُ

ای سید من تو را می خوانم به زبانی که از فرط گناه لال گردیده ای پروردگار با تو راز و نیاز می کنم با دلی که از کثرت جرم به وادی هلاکت در افتاده

أَدْعُوكَ يَا رَبِّ رَاهِبًا رَاغِبًا رَاغِبًا خَائِفًا إِذْ رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَزِعْتُ

ای خدا تو را می خوانم با دلی که هراسان و ترسان است از قهر تو و امیدوار به کرم توست چون به گناهان خود ای مولای من می نگرم زار می نالم



وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ فَإِنَّ عَفْوَتَ (غَفَرْتَ) فَخَيْرٌ رَاحِمٍ وَإِنْ عَذَّبْتَ فَعَيْرٌ ظَالِمٍ

و چون به کرم بی پایان تو نظر می کنم امیدوار می گردم پس اگر مرا ببخشی رواست که تو بهترین مهربانی و اگر عذاب کنی ستم نکرده ای

حُجَّتِي يَا اللَّهُ فِي جُرْأَتِي عَلَى مَسْأَلَتِكَ مَعَ إِيْتَابِي مَا تَكْرَهُ جُودَكَ وَكَرَمَكَ

حجت من بر جرأت درخواست حاجت از تو با آنکه کردارم همه ناپسند بوده همانا بخاطر کرم و بخشش توست و پناه آوردنم

وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي مَعَ قَلَّةِ حَيَاتِي رَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ

در حال سختی به درگاه تو با بی حیایی و بی باکیم به موجب رأفت و مهربانی توست

وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا تَحِيبَ بَيْنَ ذَيْنِ وَذَيْنِ مُنِيتِي فَحَقِّقْ رَجَائِي وَاسْمَعْ دُعَائِي

و البته امیدم آن است که با اینگونه قبايح و زشتی هایم باز از آرزوهایی که به تو دارم محرومم نگردانی پس امیدم برآور و دعایم اجابت فرما



يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ

ای بهترین کسی که اهل دعا به درگاهش رو آورند و نیکوتر شخصی که امیدواران بر او عرض نیاز کنند

عَظُمَ يَا سَيِّدِي أَمَلِي وَسَاءَ عَمَلِي فَأَعْطِنِي مِنْ عَفْوِكَ بِمَقْدَارِ أَمَلِي

آرزویم ای سید من بزرگ و کردارم زشت است پس تو به عفو و بخشش خود به قدر آرزویم عطا کن

وَلَا تُؤَاخِذْنِي بِأَسْوَأِ عَمَلِي فَإِنَّ كَرَمَكَ يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاةِ الْمَذْنِبِينَ وَحِلْمَكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ

و به اعمال زشتم مؤاخذه مفرما زیرا کرم و بزرگواریت برتر از آن است که گناهکاران را مجازات کنی و حلمت بیش از آنکه مقصرین را به کیفر رسانی

وَأَنَا يَا سَيِّدِي عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَجَرِّمٌ مَا وَعَدْتَ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا

و من ای سید من به فضل و کرمت پناه آورده و از قهر تو بسوی لطفت می گریزم وعده عفو و بخششت از کسی که به تو حسن ظن دارد مسلم و قطعی است



وَمَا أَنَا يَا رَبِّ وَمَا خَطِرِي هَبْنِي بِفَضْلِكَ وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ

و من ذره ناچیز ای خدا کیستم مرا به فضل و کرمت ببخش و به عفو و رحمتت بر من منت گذار

أَيُّ رَبِّ جَلَّلْنِي بِسِتْرِكَ وَاعْفُ عَنِّي تَوْبِيحِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ

ای پروردگار من کردار زشتم در پرده دار و از گناهانم به بزرگواری ذاتت درگذر

فَلَوْ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِي غَيْرُكَ مَا فَعَلْتَهُ وَلَوْ خِفْتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ لَأَجْتَنَبْتُهُ

که اگر بر گناهم کسی غیر از تو آگاه می شد البته آن گنه نمی کردم و اگر از تعجیل می ترسیدم هم از خطا اجتناب می نمودم

لَا لِأَنَّكَ أَهْوَنُ النَّاطِرِينَ (إِلَيَّ) وَأَخَفُ الْمُطَّلَعِينَ (عَلَيَّ)

نه از این رو که تو از دیگران در نظرم بی قدر و اهمیت تری

بَلْ لِأَنَّكَ يَا رَبِّ خَيْرُ السَّاتِرِينَ وَأَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ (وَأَحْلَمُ الْأَحْلَمِينَ) وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ

بلکه بدین سبب که تو بهترین ستاران و پرده پوشان و نیکوترین حکم فرمایان و بزرگواریترین بزرگواران عالمی



سَتَّارُ الْعُيُوبِ غَفَّارُ الذُّنُوبِ عَلَامُ الْعُيُوبِ تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ وَتُؤَخِّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ

تویی که بر عیب های خلق پرده پوشی و بر گناهانشان بخشایی و بر اسرار غیب آگاهی گناه بندگان را به کرمی می پوشانی و کیفر آنها را از حلم و بردباری به تأخیر می افکنی

فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ وَعَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ

پس ستایش تو را می کنم بر مقام حلمت بعد از علم ازلیت و بر صفت عفو تو پس از قدرت کاملت

وَيَحْمِلُنِي وَيُجَرِّئُنِي عَلَى مَعْصِيَتِكَ حِلْمُكَ عَنِّي وَيَدْعُونِي إِلَى قَلَّةِ الْحَيَاءِ سَتْرُكَ عَلَى

ای خدا حلم بی پایانت مرا بر معصیت تو وادار می کند و جرأت می دهد و پرده پوشی و ستاریت به بی شرمی و حیایی می خواند

وَيُسْرِعُنِي إِلَى التَّوْبِ عَلَى مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ وَعَظِيمِ عَفْوِكَ

و معرفتم به رحمت بی انتهایت و عفو بی حسابت مرا جسور کرده و به سرعت بر آنچه حرام کردی می گمارد



يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا غَافِرَ الدَّنْبِ يَا قَابِلَ التَّوْبِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ

ای خدای بردبار بزرگوار ای زنده ابدی ای بخشنده گناه و ای پذیرنده توبه ای بزرگ نعمت و منت ای احسان کننده همیشگی

أَيْنَ سَتْرِكَ الْجَمِيلِ أَيْنَ عَفْوِكَ الْجَلِيلِ أَيْنَ فَرْجِكَ الْقَرِيبِ أَيْنَ غِيَاثِكَ السَّرِيعِ

کجاست پرده پوشی عظیم تو کجاست عفو بزرگوارانه تو کجاست گشایش نزدیک تو کجاست فریادرسی سریع تو

أَيْنَ رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ أَيْنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةَ أَيْنَ مَوَاهِبِكَ الْهَنِيئَةَ أَيْنَ صَنَائِعِكَ السَّنِيئَةَ

کجاست رحمت واسعه تو کجاست عطاهای نیکوی تو کجاست موهبت های گوارا و مرحمت های پر بهای تو

أَيْنَ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ أَيْنَ مَنِّكَ الْجَسِيمِ أَيْنَ إِحْسَانِكَ الْقَدِيمِ أَيْنَ كَرَمِكَ يَا كَرِيمُ

کجاست فضل و کرم بی حد تو کجاست نعمت بزرگ و احسان همیشگی تو کجاست کرم تو ای خدای کریم



بِهِ (وَجُمِّدِ وَآلِ مُحَمَّدٍ) فَاسْتَقْذِنِي وَبِرَحْمَتِكَ فَحَلِّصْنِي يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ

به حق آن کرم که مرا نجات ده و به حق رحمتت که از ورطه هلاکتت خلاص کن ای خدای با احسان ای نیکوکار ای نعمت بخش ای با فضل و کرم

لَسْتُ أَتَّكِلُ فِي الْجَنَّةِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

من بر نجات از قهر و عقابت اعتماد بر اعمال خود نداریم بلکه تمام نظر ما به فضل و احسان توست زیرا که تو شایسته ای که خلق از تو بترسند و هم به مغفرتت امیدوار باشند

تُبَدِي بِالْإِحْسَانِ نِعْمًا وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَمًا

هم اول با خلق احسان می کنی هم به کرمت از گناهانشان می گذری

فَمَا نَدْرِي مَا شَكَرُ أَجْمِلَ مَا تَنْشُرُ أَمْ قَبِيحَ مَا اسْتُرُ

پس من نمی دانم شکر کدام را بجای آرم آیا شکر نیکی هایی که از من معروف کردی یا زشتی هایی که پرده پوشی نمودی



أَمْ عَظِيمَ مَا أْبَلَيْتَ وَأَوْلَيْتَ أَمْ كَثِيرَ مَا مَنَّهُ نَجَّيْتَ وَعَافَيْتَ

یا بلاها و امتحانات سختی که بر ما آسان ساختی و ما را بر آن فایق و مؤید داشتی یا بلاهای بسیار که از آن نجات داده و عافیت بخشیدی

يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ وَيَا قُرَّةَ عَيْنٍ مَنْ لَأَذِيبُكَ وَأَنْقَطَعَ إِلَيْكَ

ای دوستدار کسی که با تو محبت ورزد ای شادی قلب کسی که رو به درگاه تو آرد و از همه بگسلد و با تو پیوندد

أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَالْمُحْنُ الْمُسِيئُونَ فَتَجَاوَزْ يَا رَبِّ عَنْ قَبِيحٍ مَا عِنْدَنَا بِجَمِيلٍ مَا عِنْدَكَ

تو نیکوکاری و ما زشت کرداریم پس تو ای پروردگار به نیکویی خود از قبایح ما درگذر

وَأَيُّ جَهْلٍ يَا رَبِّ لَا يَسْعُهُ جُودُكَ أَوْ أَيُّ زَمَانٍ أَطْوَلُ مِنْ أَنْتِ تَك

کدامین جهالت و بد کاری است که لطف و کرم تو آن را فرا نمی گیرد یا چه زمانی است که پیش از زمان حلم توست



وَمَا قَدَرُوا أَعْمَالَنَا فِي جَنبِ نِعْمِكَ وَكَيْفَ نُسْتَكْرِهُ أَعْمَالًا نُقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ (كَرَامَتِكَ)

و اعمال نيك ما در مقابل نعمت های تو چه ارزش دارد و چگونه اعمال زشتمان را با وجود لطف و كرم بى
انتهايت بسيار بدانيم

بَلْ كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ

آرى چگونه مجال بر گناهكاران با وجود رحمت واسعه بى پايانت تنگ خواهد شد

يَا وَاسِعَ الْمُغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ

اى صاحب آمرزش بى حساب اى آنكه دست تو به رحمت مبسوط است

فَوْعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي لَوْ نَهَرْتَنِي (انْتَهَرْتَنِي) مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ

بارى قسم به مقام عزت و بزرگيت اى سيد من كه اگر مرا از درگاهت برانى هرگز از اين در به جايى نمى روم و
از تملق و التماس به حضرتت دست برنمى دارم



لَمَّا انْتَهَى إِلَيَّ مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ

زیرا تو را به جود و کرم کامل شناخته ام و تو هر چه بخواهی به قدرت کامله می کنی

وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ

هر که را بخواهی به هر قدر و هر گونه عذاب کنی و هر که را بخواهی هر قدر و هر قسم ترحم فرمایی خواهی کرد

لَا تُسْأَلُ عَنْ فِعْلِكَ وَلَا تُتَنَازَعُ فِي مُلْكِكَ وَلَا تُشَارَكُ فِي أَمْرِكَ وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ

و کسی را نرسد که بر کار تو چون و چرا کند و در ملک هستی با تو گفتگو آغازد و در هر امر و فرمان با ذات یکتایت مشارکت کند و در حکم مبرمت مخالفت برانگیزد

وَلَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ لَكَ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

و احدی را نرسد که بر نظم و تدبیرت خورده گیری و اعتراض کند خلق و آفرینش خاص تو و حکم و فرمان بر خلق مخصوص توست بزرگوار خدایی که پروردگار عالم است



يَا رَبِّ هَذَا مَقَامٌ مَنْ لَأَذِيكَ وَاسْتَجَارَ بِكَرَمِكَ وَالْفِإِحْسَانُكَ وَنِعْمَتِكَ

ای خدا این است مقام آنکس که به درگاه تو روی آورده و به لطف و کرمت پناه جسته و با نعم و احسانت الفت گرفته

وَأَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي لَا يَضِيقُ عَفْوُكَ وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ وَلَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ

و تو آن ذات با جود و بخششی که جامه عفو تنگ نیست و فضل و رحمت نقصان پذیر نخواهد بود

وَقَدْ تَوَقَّعْنَا مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ وَالْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ

و ما هم تمام وثوق و اطمینان خاطرمان به عفو همیشگی و فضل و کرم بی حد و رحمت نامنتهای توست

أَفْتَرَاكَ (تُرَاكَ) يَا رَبِّ تُخْلِفُ ظُنُونَنَا أَوْ تُحْيِي أَمَانَنَا كَلَا يَا كَرِيمُ

ای پروردگار آیا چنین پنداریم که تو بر خلاف حسن ظنی که به حضرتت داریم با ما رفتار می کنی یا ما را از امید و آرزوهایی که به تو داریم محروم می سازی هرگز به تو ای خدای کریم



فَلَيْسَ هَذَا ظَنُّنَا (ظَنُّنَا) بِكَ وَلَا هَذَا فَيْكَ طَمَعُنَا (طَمَعُنَا)

چنین گمان نمی بریم و اینگونه از کرمات انتظار نداریم

يَا رَبِّ إِنَّ لِنَافِيكَ أَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا إِنَّ لِنَافِيكَ رَجَاءً عَظِيمًا

ای خدا ما را به حضرتت آمال و آرزوهای بسیار و امید بزرگ است

عَصِيانَكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنَا وَدَعْوَانَا وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لِنَا فَحَقُّ رَجَاءِنَا

تو را معصیت کردیم و امید پرده پوشی داریم تو را در دعا خواندیم و امید اجابت داریم پس ای مولای ما ما را به امید و آرزویمان برسان

مَوْلَانَا فَقَدْ عَلِمْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ بِأَعْمَالِنَا وَلَكِنْ عَلِمْنَا فِينَا وَعَلِمْنَا بِأَنَّكَ لَا تَصْرِفُنَا عَنْكَ

که ما می دانیم که به اعمال زشت خود چیزی جز محرومی از رحمت مستحق نیستیم لیکن اینکه تو به احوال ما دانایی و به فقر و بیچارگی ما آگاهی و می دانیم که از درگاه فیضت محروم باز نمی گردیم



حَسْبَا عَلَي الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ) وَإِنْ كُنَّا غَيْرُ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ

ما را راغب و امیدوار بدرگاه کرمت آورد و با آنکه ما مستوجب رحمت نیستیم

فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا وَعَلَى الْمُنِيبِينَ بِفَضْلِ سَعَتِكَ فَاْمُنْ عَلَيْنَا بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ

تو شایسته آنی که بر ما و گناهکاران بفضل و رحمت وسیعت جود و بخشش کنی پس تو بآنچه لایق بزرگواری
توست به ما احسان فرما

وَجُدْ عَلَيْنَا فَإِنَّا مُحْتَاجُونَ إِلَى نَيْلِكَ يَا غَفَّارُ سُورِكَ اهْتَدَيْنَا

و بر ما کرم کن که بسیار محتاج عطای توایم ای خدای بخشنده ما را به نور معرفت هدایت فرمودی

وَبِفَضْلِكَ اسْتَعْنَيْنَا وَبِنِعْمَتِكَ (فِي نِعْمِكَ) أَصْبَحْنَا وَأُمْسَيْنَا

و به فضل و رحمتت از غیر بی نیاز گردانیدی و به نعمتت شب و روز پرورش یافتیم



ذُنُوبًا بَيْنَ يَدَيْكَ دَسْتُغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْهَا وَتُوبُ إِلَيْكَ

گناهان ما پیش تو هویداست از تو ای خدا از آن گناهان طلب عفو و آمرزش می کنیم و بدرگاهت بتوبه باز می گردیم

تَتَجَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ وَنُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ وَشَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ

ای خدا تو در حق ما به نعمت های گوناگون محبت و مهربانی می کنی و ما در مقابل به نافرمانی و گناه می پردازیم خیر و برکات تو پیوسته بر ما نازل می شود و شر و بد کاری ما بسوی تو بالا می رود

وَلَمْ يَزَلْ وَلَا يَزَالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَأْتِيكَ (عَنَّا) بِعَمَلٍ قَبِيحٍ فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ مِنْ أَنْ تَحُوطَنَا بِنِعْمِكَ

و تو همیشه از ازل تا ابد پادشاه با کرم و احسانی که اعمال زشت همیشگی ما مانع از آن نیست که ما را غرق نعمت های ظاهر و باطن

وَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِالْإِيْتِ فَسُبْحَانَكَ مَا أَحْلَمَكَ وَأَعْظَمَكَ وَأَكْرَمَكَ مُبْدئًا وَمُعِيدًا

بفضل و احسان خود گردانی پس منزهی تو و چقدر حلم و بزرگی لطف و کرمت در آغاز و انجام آفرینش بی پایان است



تَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُكَ وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ وَكَرَّمَ صَنَائِعُكَ وَفَعَّالَكَ

ای خدا نام های پاکت منزّه و ثنا و ستایشت بزرگ و آثار و افعالت همه نیکو است

أَنْتَ إِلَهِي أَوْسَعُ فَضْلاً وَأَعْظَمُ حِلْماً مَنْ أَنْ تُقَالِسَنِي بِفِعْلِي وَخَطِيئَتِي

ای خدای من فضل وسیع بی پایان و حلم عظیم بی انتهایت برتر از آن است که مرا با فعل من و گناه من مقایسه نمایی

فَالْعَفْوُ الْعَفْوُ سَيِّدِي سَيِّدِي سَيِّدِي

از من درگذر از من درگذر از من درگذر ای سید من ای سید من ای سید من

اللَّهُمَّ اشْغَلْنَا بِذِكْرِكَ وَأَعِدْنَا مِنْ سَخَطِكَ وَأَجِرْنَا مِنْ عَذَابِكَ وَارْزُقْنَا مِنْ مَوَاهِبِكَ وَأَنْعِمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلِكَ

خداوندا ما را به یاد خود مشغول ساز و از قهر و غضبت امان بخش و از عذابت در جوار رحمت پناه ده و از عطاهای بی حسابت روزی ما گردان و به فضل و کرم با ما نیکی و احسان فرما



وَارْزُقْنَا حَجَّ بَيْتِكَ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ

و حج بیت الحرامت را نصیب ما گردان و پیغمبرت

صَلِّوْا تَكَ وَرَحْمَتِكَ وَمَغْفِرَتِكَ وَرِضْوَانِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ إِنَّكَ قَرِيبٌ مُجِيبٌ

که درود و رحمت و مغفرت و خوشنودیت بر او و بر اهل بیتش باد زیارت قبرش را روزی ما گردان که تو البته به خلق نزدیکی و از لطف دعایشان اجابت می کنی

وَارْزُقْنَا عَمَلًا بِطَاعَتِكَ وَتَوْفِقًا عَلَى مِلَّتِكَ وَسُنَّةِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

ای خدا طاعتت را عوض هر کار نصیب ما گردان و ما را بر آیین خود و بر سنت پیغمبرت که درود بر او و بر آلش باد بمیران

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِي وَارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا أَجْزِمُهُمَا بِالْإِحْسَانِ إِحْسَانًا وَبِالسَّيِّئَاتِ غُفْرَانًا

خدایا بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و بر آنها رحمت فرست که آنان در خردسالی مربی من بودند و پاداش احسان های آنها که به من کرده اند در حقشان احسان فرما و گناهانشان ببخش



اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ وَتَابِعْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ (فِي الْخَيْرَاتِ)

خدایا بر تمام مرد و زن اهل ایمان از زندگان و مردگان مغفرت را شامل گردان و میان ما و آنها به خیر و احسانت پیوند ده

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا ذَكَرْنَا وَأُنْشَأْنَا (إِنَّا شَأْنَا) صَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا حُرِّينَا وَمَمْلُوكِنَا

بار الها زنده و مرده ما مسلمانان و حاضر و غایب و مرد و زن و صغیر و کبیر و آزاد و بنده ما همه را ببخش و بیامرز

كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا وَخَسِرُوا خُسْرًا مُبِينًا

آری آنان که از خدا برگشتند به دورترین وادی ضلالت و گمراهی در افتادند و آشکار به زیان سخت گرفتار شدند

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ

خدایا درود فرست بر محمد (ص) و آل محمد (ع) و کارم را ختم به خیر گردان



وَكَفَّنِي مَا أَمَّنَنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي

و مهمات امور دنیا و آخرتم را کفایت فرما و آنکه به حالم رحم نکند بر من مسلط مگردان

وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ وَاقِيَةً بَاقِيَةً وَلَا تُسَلِّبْنِي صَالِحَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ

و بر من از جانب خود نگهبانی همیشه مقرر بدار و نعمتهای شایسته ای که به من عطا کردی از من باز مگیر

وَأَرْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا

و از فضل و کرمت به من روزی وسیع حلال پاکیزه روزی فرما

اللَّهُمَّ احْرُسْنِي بِحِرَاسَتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ وَآكِلَانِي بِكِلَاءَتِكَ

ای خدا مرا در پناه مراقبتت نگهداری کن و در سایه محافظت و ظل حمایتت از هر بلا محفوظ دار

وَأَرْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَاهَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَالْأَنْعَمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

و حج بیت الحرامت را در این سال و همه سال دیگر نصیبم گردان و زیارت قبر پیغمبر (ص) و ائمه هدی علیهم السلام را روزی کن



وَلَا تُخْزِنِي يَا رَبِّ مِنْ تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ

و از آن مشاهده مشرفه و مواقف با کرامت دور مگردان

اللَّهُمَّ تُبْ عَلَيَّ حَتَّى لَا أُعْصِيكَ

ای خدا حال توبه ای به من عطا کن که دیگر هرگز معصیت نکنم

وَالْهُمْنِي الْحَيْرِ وَالْعَمَلِ بِهِ وَخَشْيَتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا أَبْقَيْتَنِي يَا رَبِّ الْعَالَمِينَ

و تا هستم ای پروردگار عالم کار خیر را بقلبم الهام کن و در عملش موفقم ساز و شب و روز مرا خدا ترس گردان

اللَّهُمَّ إِنِّي كَلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَتَعَبَّأْتُ (تَعَبَّيْتُ) وَقُمْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ

ای خدا من چندان که به عزم و جزم با خود گفتم و خویش را مهیا و آماده طاعتت ساختم و در پیشگاه تو به نماز ایستادم



وَنَاجَيْتُكَ أَلْقَيْتَ عَلَيَّ نِعَاسًا إِذَا أَنَا صَلَّيْتُ وَسَلَبْتَنِي مُنَاجَاتَكَ إِذَا أَنَا نَاجَيْتُ

آن هنگام مرا به خواب انداختی و حال راز و نیاز از من گاه مناجات باز گرفتی

مَا لِي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ صَلَّحْتُ سَرِيرَتِي وَقُرْبَ مِنْ مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجْلِسِي

ای خدا چه شد که هر چه با خود عهد کرده و گفتم که از این پس سریرتم نیکو خواهد شد و به مجامع اهل توبه و مقام توابین نزدیک می شوم

عَرَضْتُ لِي بَلِيَّةٌ أَزَالَتْ قَدَمِي وَحَالَتُ بَيْنِي وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ

بلیه و حادثه ای پیش آمد که به عهد ثابت قدم نماندم و آن بلیه میان من و خدمتت حایل گردید

سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنْ بَابِكَ طَرَدْتَنِي وَعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَحْفًا بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي

ای سید من شاید تو از درگاه لطفت مرا رانده ای و از خدمت بندگیت دورم ساخته ای یا شاید دیدی من حق بندگیت را خفیف شمردم بدین جهت از درت مرا دور کردی



أُولَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي أُولَعَلَّكَ وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ (الْكَذَّابِينَ)
فَرَفَضْتَنِي

یا آنکه دیدی من از تو روی گردانم بدین سبب بر من غضب فرمودی یا آنکه در مقام دروغ گوینام یافتی لذا از نظر عنایتت دور افکندی

أُولَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرِ شَاكِرٍ لِنِعْمَائِكَ فَحَرَمْتَنِي أُولَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي

یا شاید دیدی که من شکر گزاری از نعمت هایت نمی کنم مرا محروم ساختی یا شاید مرا در مجالس اهل علم نیافتی به خواری و خذلانم انداختی

أُولَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِي الْغَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي

یا شاید مرا در میان اهل غفلت یافتی بدین جرم از رحمتت نومیدم کردی

أُولَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي آفَ مَجَالِسِ الْبُطَّالِينَ فَبَيْنِي وَبَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي أُولَعَلَّكَ لَمْ تُحِبَّ أَنْ تُسْمَعَ دُعَائِي
فَبَاعَدْتَنِي

یا شاید دیدی در مجالس اهل باطل الفت گرفته ام مرا میان آنها وا گذاشتی یا شاید دوست نداشتی دعایم را بشنوی از درگاهت دورم کردی



أَوْلَعَلَّكَ بِجُرْمِي وَجَرِيرَتِي كَافِيَتِي أَوْلَعَلَّكَ بِقَلَّةِ حَيَائِي مِنْكَ جَازِيَتِي

یا شاید بجرم و گناهم مکافات کردی یا شاید به بی شرم و حیایی با حضرتت مجازاتم نمودی

فَإِنْ عَفَوْتُ يَا رَبِّ فَطَالَمَا عَفَوْتُ عَنِ الْمُدْنِينَ قَبْلِي لِأَنَّ كَرَمَكَ أَيُّ رَبِّ يَجِلُّ عَنْ مُكَافَاةِ الْمُقْصِرِينَ

به هر حال اگر ای خدای من عفو کنی شایسته است که پیش از من چه بسیار از گنه کاران را عفو کرده‌ای چرا که لطف و کرمت ای خدا برتر و بالاتر از آن است که بندگان مقصر را به کیفر رسانی

وَأَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَجَرِّئٌ (مُنْتَجِرٌ) مَا وَعَدْتِ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا

و من به فضل و رحمتت پناه آورده و از تو بسوی تو می‌گریزم که عفو و بخششت از کسی که به تو حسن ظن دارد وعده قطعی است

إِلَهِي أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلًا وَأَعْظَمُ حِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَائِسَنِي بِعَمَلِي أَوْ أَنْ تُسْتَزَلَّنِي بِخَطِيئَتِي

ای خدای من فضل و رحمتت وسیع‌تر و حلم و بردباریت بزرگتر از آن است که با من به عملم مقایسه کنی یا مرا به گناهم خوار گردانی



وَمَا أَنَا يَا سَيِّدِي وَمَا خَطْرِي

و من کیستم ای مولای من و چه قابلیت دارم

هَبْنِي بِفَضْلِكَ سَيِّدِي وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ وَجَلِّئْنِي بِسِتْرِكَ وَاعْفُ عَن تَوْبِيخِي بِكَرَمِ وَجْهِكَ

مرا به فضل و کرمت ببخش ای سید من و به عفو تو بر من منت گذار و به لطف تو بر زشتیهای من پوشی کن و از توبیخ و تهدید من به ذات بزرگواری درگذر

سَيِّدِي أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتَهُ وَأَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتَهُ

ای سید من من آن طفل صغیرم که توام پروراندی و آن نادانم که توام دانش بخشیدی

وَأَنَا الصَّالُّ الَّذِي هَدَيْتَهُ وَأَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتَهُ

و آن گمراهم که توام هدایت کردی و آن خوار و ذلیلیم که توام عزت و رفعت دادی

وَأَنَا الْخَائِفُ الَّذِي آمَنْتَهُ وَالْجَائِعُ الَّذِي أَشْبَعْتَهُ وَالْعَطْشَانُ الَّذِي أَرَوَيْتَهُ

و آن ترسانم که توام ایمن ساختی و آن گرسنه ام که توام سیر کردی و آن تشنه ام که توام سیراب کردی



وَالْعَارِي الَّذِي كَسَوْتَهُ وَالْفَقِيرُ الَّذِي أَغْنَيْتَهُ وَالصَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتَهُ

و برهنه ام که پوشانیدی و فقیری که بی نیازش کردی و ناتوانی که توانایش دادی

وَالذَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّزْتَهُ وَالسَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتَهُ وَالسَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتَهُ

و ذلیلی که عزیزش گردانیدی و مریضی که شفا بخشیدی و سائلی که به او عطا کردی

وَالْمَذْنُوبُ الَّذِي سَتَرْتَهُ وَالْحَاطِئُ الَّذِي أَقَلْتَهُ

و گنه کاری که بر گنهش پرده پوشیدی و خطا کاری که عذرش پذیرفتی

وَأَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَّرْتَهُ وَالْمُسْتَضْعَفُ الَّذِي نَصَرْتَهُ وَأَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي آوَيْتَهُ

و اندکی که بسیارش نمودی و مغلوب و ناتوانی که یاریش کردی و گریخته و آواره ای که جایگاهش دادی

أَنَا يَا رَبِّ الَّذِي لَمْ أَسْتَحْيِكَ فِي الْخَلَاءِ وَلَمْ أُرَاقِبَكَ فِي الْمَلَأِ أَنَا صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعُظْمَى

من ای خدا همان کسم که نه در خلوت از تو شرم و حیا کردم و نه در جمعیت مراقب وظایف بندگیت بودم
منم که مصایب و حوادث بزرگ بر من روی آور است



أَنَا الَّذِي عَلَى سَيِّدِ اجْتَرَى أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ

منم آن بنده ای که بر مولای خود جرأت و جسارت نموده منم آنکه خدای جبار آسمان را نافرمانی کرده

أَنَا الَّذِي أُعْطِيتُ عَلَى مَعْصِيِ الْجَلِيلِ (المُعَاصِيِ الْجَلِيلِ) (الرُّشَاءُ أَنَا الَّذِي حِينَ بُشِّرْتُ بِهَا خَرَجْتُ إِلَيْهَا أَسْعَى

من آن کسم که بر معصیت های بزرگ رشوه داده من آن کسم که هنگامی که مزده پیش آمد گناهی به او دادند بسوی آن گناه شتابان می رفت

أَنَا الَّذِي أُمَهَلْتَنِي فَمَا ارْعَوَيْتُ وَسَتَرْتِ عَلَيَّ فَمَا اسْتَحْيَيْتُ وَعَمِلْتُ (بِالْمَعْصِيِ فَتَعَدَّيْتُ

منم آنکه مهلتم در عصیان برای توبه دادی و من از گنه باز نگشتم و بر من پرده پوشی کردی باز هم شرم و حیا نکردم و به معصیت پرداخته و از حد تجاوز کردم

وَأَسْقَطْنِي مِنْ عَيْنِكَ (عِنْدِكَ) فَمَا بَالَيْتُ فَبِحِلْمِكَ أُمَهَلْتَنِي وَبِسِتْرِكَ سَتَرْتَنِي حَتَّى كَأَنَّكَ أَغْفَلْتَنِي

و مرا از نظر انداختی باز هم باک نداشتی و باز به حلم و بردباریت مهلتم دادی و از کرم زشتیم در پرده داشتی تا آنجا که گویی گناهانم را فراموش کرده ای



وَمِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَنَّبْتَنِي حَتَّى كَأَنَّكَ اسْتَحْيَيْتَنِي

و از کیفر گناهان معاصم داشته ای که گویا از من شرم کرده ای

إِلَهِي لَمْ أَغْصِكَ حِينَ عَصَيْتَكَ وَأَنَا بَرُّ بُوَيْبَيْتِكَ جَا حِدٌ وَلَا بِأَمْرِكَ مُسْتَحْفٌ وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَ
لَا لَوَعِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ

ای خدا من هنگامی که به معصیت پرداختم عصیان از راه انکار خداوندیت نکردم و فرمانت را خفیف نشمردم و
سینه در مقابل عقابت سپر نکردم و وعده مجازاتت را خوار و بی اهمیت ندانستم

لَكِنُّ خَطِيئَةٌ عَرَضْتُ وَسَوَّلْتُ لِي نَفْسِي وَغَلَبَنِي هَوَايَ وَأَعَانَنِي عَلَيْهَا شَقُوتِي وَغَرَّنِي سِتْرُكَ
الْمُرْخَى عَلَيَّ

بلکه عصیانم خطایی بود عارض شد و نفس زشت بر من شبهه کاری کرد و هوی و هوس غلبه کرد و بدبختی
کمک نمود و ستاری و پرده پوشیت مغرورم ساخت

فَقَدْ عَصَيْتَكَ وَخَالَفْتِكَ بِجُهْدِي فَالآنَ مِنْ عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَقْدُنِي

تا آنکه به کوشش و اختیار به عصیان و مخالفت پرداختم اکنون از عذاب تو که مرا نجات خواهد داد؟



وَمِنْ أَيْدِي الْخُصَمَاءِ غَدًا مَنْ يُخَلِّصُنِي وَبِحَبْلِ مَنْ أَتَّصِلُ إِنْ أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي

و فردا از دست دشمنان که خلاصم تواند کرد؟ و اگر تو رشته محبت را از من بریدی دیگر به رشته که چنگ زنم؟

فَوَاسُوا تَا (أَسْفَا) عَلَى مَا أَحْصَى كِتَابِكَ مِنْ عَمَلِي الَّذِي لَوْلَا مَا أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ

پس وای به رسوائیم در آن هنگام که کتاب تو تمام اعمالم را به شمار آورده که اگر امیدم کرم و رحمت بی انتهایت نبود

وَنَهَيْكَ إِيَّايَ عَنِ الْقُنُوطِ لَقَنْطُتُ عِنْدَ مَا أَتَذَكَّرُهَا يَا خَيْرٍ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ

و نهی تو از نومیدی گنه کاران وقتی که متذکر اعمال زشت خود می شدم به کلی ناامید می گردیدم ای بهترین کسی که او را به دعا بخوانند و نیکوترین کسی که به کرمش امیدوار باشند

اللَّهُمَّ بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَتُوسَّلُ إِلَيْكَ وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ أَعْتَمِدُ إِلَيْكَ

ای خدا به عهد و پیمان اسلام بسوی تو توسل جسته و به حرمت قرآن و ایمان به آن درگاهت اعتماد می طلبم



وَمَجْبِي النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الْقُرَشِيِّ الْهَاشِمِيِّ الْعَرَبِيِّ التَّهَامِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ أَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ

و به دوستیم نسبت به پیغمبر امی قرشی هاشمی عربی تهامی مکی مدنی نزد تو تقرب می جویم

فَلَا تُوْحِشْ اسْتِيْنَاْسَ اِيْمَانِي وَلَا تَجْعَلْ ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ عَبَدَ سِوَاكَ

پس تو لطفی کن و انس مرا بواسطه ایمانم به تو بدل به وحشت مگردان و پاداشم را پاداش آنکه غیر تو را پرستیده قرار مده

فَإِنَّ قَوْمًا آمَنُوا بِالسِّنِّهِمْ لِيَحْقِنُوا بِهِ دِمَاءَهُمْ فَأَدْرِكُوا مَا آمَلُوا

زیرا قومی به زبان ایمان آوردند تا از شمشیر اسلام خونشان محفوظ ماند و به این آرزو رسیدند

وَإِنَّا آمَنَّا بِكَ بِالسِّنِّتِ وَقُلُوبِنَا لَتَعْفُو عَنَّا فَأَدْرِكُنَا (فَأَدْرِكُ بِنَا) مَا آمَلْنَا وَثَبَّتْ رَجَاءُكَ فِي صُدُورِنَا

و ما هم با دل و زبان به تو ایمان آوردیم تا از گناهانمان درگذری ما را هم به آرزویمان برسان و امیدواری به کرم خود را بر ما ثابت و محقق گردان



وَلَا تُزِعْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

و دل‌های ما را پس از آنکه هدایت یافتیم به تاریکی و گمراهی می‌فکن و از جانب خود بر ما رحمت فرست که همانا تویی بخشنده بی عوض

فَوَعِزَّتِكَ لَوْ أَنْتَهَرْتَنِي مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ

باری بمقام عزتت قسم که اگر مرا از در لطف برانی هرگز از درگاهت به جایی نخواهم رفت

وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أَلْهِمَ قَلْبِي (يَاسَيِّدِي) مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ وَسَعَةِ رَحْمَتِكَ

و از تملق و التماس به حضرتت دست نخواهم کشید چرا که قلبم شناسا و گواه کرم و رحمت بی پایان توست

إِلَى مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَى مَوْلَاهُ وَإِلَى مَنْ يَلْتَجِيُ الْخَلْقُ إِلَّا إِلَى خَالِقِهِ

آری بنده جز به درگاه مولایش کجا رود و مخلوق به که پناهنده شود جز به خالقش



إِلَهِي لَوْ قَرَنْتَنِي بِالْأَصْفَادِ وَمَنْعَتَنِي سَيِّئِكَ مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ وَدَلَّتْ عَلَيَّ فَضَائِحِي عُيُونَ الْعِبَادِ

ای خدا اگر گردنم را به زنجیره ای قهرت می بندی و عطایت را از میان همه خلق از من منع کنی و فضیحت و رسوایی هایم به چشم بندگانت عیان سازی

وَأَمَرْتُ بِي إِلَى النَّارِ وَحُلَّتْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْأَبْرَارِ مَا قَطَعْتُ رَجَائِي مِنْكَ

و فرمان دهی که مرا به آتش دوزخ کشند و میان من و نیکان جدایی افکنی باز هرگز رشته امیدم از تو قطع نخواهد شد

وَمَا صَرَفْتُ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ وَلَا خَرَجَ حُبِّكَ مِنْ قَلْبِي

و از امیدی که به عفو و بخششت دارم منصرف نمی شوم و محبتت از دلم بیرون نخواهد رفت

أَنَا لَا أُنْسِي أَيَادِيكَ عِنْدِي وَسَتْرِكَ عَلَيَّ فِي دَارِ الدُّنْيَا سَيِّدِي أَخْرَجَ حُبَّ الدُّنْيَا مِنْ قَلْبِي

من ای خدا عطا و بخشش ها و پرده پوشی هایت را بر من در دار دنیا هرگز فراموش نخواهم کرد ای سید من حب دنیا را از دلم بیرون



وَاجْمَعُ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَىٰ وَآلِهِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَخَاتِمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

بر و میان من و حضرت مصطفی (ص) منتخب از تمام خلق و خاتم پیغمبرانت محمد که درود خدا بر او و آلتش باد جمع گردان

وَأَنْقُلْنِي إِلَىٰ دَرَجَةِ التَّوْبَةِ إِلَيْكَ وَأَعِنِّي بِالْبُكَاءِ عَلَىٰ نَفْسِي فَقَدْ أَفْنَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَالْأَمَالِ
عُمْرِي

و مرا به درجه و مقام اهل توبه و بازگشت به درگاهت برسان و مرا بر گریه به حال خود یاری کن که سخت عمرم را به تسویف و آرزوهای باطل از دست دادم

وَقَدْ نَزَلَتْ مَنزِلَةَ الْإِسْخَانِ مِنْ خَيْرِي (حَيَاتِي) فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالًا مِنِّي

و اینک به جایی رسیده ام که از خوبی و اصلاح نفس خود به کلی ناامیدم پس از من بدحال به روزگارتر کیست

إِنِّي أَنَا نَقَلْتُ عَلَىٰ مِثْلِ حَالِي إِلَىٰ قَبْرِي (قَبْرِي) لَمْ أَمْهَنْ لِرِقْدَتِي وَلَمْ أَفْرُشْهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لِضَجْعَتِي

وای اگر من با چنین حال منتقل شوم به جانب قبری که برای خوابگاه خود مهیا نکرده و با عمل صالح فرش در آن بستر نگسترده



وَمَا لِي لَا أَبْكِي وَلَا أَدْرِي إِلَى مَا يَكُونُ مَصِيرِي

و چرا نگریم در صورتی که نمی دانم مصیرم تا کجاست

وَأَرَى نَفْسِي تُخَادِعُنِي وَأَيَّامِي تُخَاتِلُنِي وَقَدْ خَفَقَتْ عِنْدَ (فَوْقَ) رَأْسِي أَجْنِحَةُ الْمَوْتِ

و به کجا می روم و اکنون می بینم که نفس با من خدعه می کند و روزگار با من مکر می ورزد در حالی که عقاب مرگ بر سرم پر و بال گشوده است

فَمَا لِي لَا أَبْكِي أَبْكِي لِمُخْرَجِ نَفْسِي أَبْكِي لِظُلْمَةِ قَبْرِي أَبْكِي لِضِيقِ لِحْدِي أَبْكِي لِسُؤَالِ مَنْكَرٍ وَنَكِيرٍ آيَايَ

پس چرا نگریم می گریم بر جان دادنم می گریم بر تاریکی قبرم می گریم بر تنگی جای ابدی خودم می گریم برای سؤال منکر و نکیر آیای

أَبْكِي لِمُخْرَجِي مِنْ قَبْرِي عُرْيَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثِقْلِي عَلَى ظَهْرِي

بر آن حالتی که از قبر برهنه و خوار و ذلیل بیرون آمده و بار سنگین اعمالم را بر پشت گرفته ام



أَنْظُرُ مَرَّةً عَنْ يَمِينِي وَأُخْرَى عَنْ شِمَالِي إِذِ الْخَلَائِقُ فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي لِكُلِّ أَمْرٍ مِنْهُمْ يَوْمٌ مِنْدٍ
شَأْنٌ يُغْنِيهِ

گاهی به جانب راست خود می نگریم و گاهی به جانب چپ در آن حال که خلایق هر کسی به کاری غیر کار من مشغولند و هر شخص در آن روز محتاج کار خویش است و از توجه به غیر بی نیاز

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ ضَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَوُجُوهٌُ يَوْمَئِذٍ عَلَيهَا غَبْرَةٌ تَرَاهُهَا قَتْرَةٌ وَذِلَّةٌ

در آن روز گروهی رو سفید و خندان لب و دلشادند و گروهی رخسارشان گرد آلود عصیان و در غبار ذلت و خواری مستور است

سَيِّدِي عَلَيْكَ مَعْوَلِي وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي وَتَوَكَّلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي

ای سید من همه اطمینان و اعتماد من و تمام امید و توکلم به تو و علاقه خاطر من به رحمت و لطف توست

تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ نَشَاءُ وَتَهْدِي بِكَرَامَتِكَ مَنْ تُحِبُّ

تویی که هر که را بخواهی به رحمتت نایل می سازی و هر که را دوست داری به کرامتت هدایت می کنی



فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا نَقَّيْتَ مِن الشَّرِّ قَلْبِي

پس تو را ستایش می کنم برای آنکه قلب مرا از لوث شرک پاکیزه ساختی

وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ لِسَانِي أَفِيْلَسَانِي هَذَا الْكَمَالَ أَشْكُرُكَ أُمَّ بَغَايَةَ جُهْدِي (جَهْدِي) فِي عَمَلِي
أَرْضِيكَ

و تو را سپاس می کنم برای آنکه زبانم را بذکرت گشودی آیا من بدین زبان لال شکر و سپاس تو توانم گفت یا با کمال جهد و کوشش در عمل رضا و خوشنودیت به دست توآم آورد

وَمَا قَدَّرُ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ شُكْرِكَ وَمَا قَدَّرُ عَمَلِي فِي جَنْبِ نِعْمِكَ وَإِحْسَانِكَ (إِلَيَّ)

زبان من در قبال شکر تو بی قدر و عملم در جنب نعمت و احسانت ناچیز است

إِلَهِي إِنَّ (إِلَّا أَنْ) جُودَكَ بَسَطَ أَمَلِي وَشُكْرَكَ قَبْلَ عَمَلِي سَيِّدِي إِلَيْكَ رَغْبَتِي وَإِلَيْكَ (مِنْكَ)
رَهْبَتِي

ای خدا همانا جود و کرم تو دست امید و آرزویم را دراز گشوده و بخشش تو عمل (ناقابلم) را پذیرفته ای سید من شوق و رغبتم همه بسوی توست



وَإِلَيْكَ تَأْمِلِي وَقَدْ سَاقَنِي إِلَيْكَ أَمَلِي

و بیم و هراسم هم از توست آرزویم به تو منتهی است و امید من مرا به درگاه تو می کشد

وَعَلَيْكَ (إِلَيْكَ) يَا وَاحِدِي عَكَفْتُ (عَلِقْتُ) هِمَّتِي وَفِيمَا عِنْدَكَ انْبَسَطْتُ رَغْبَتِي وَلَكَ خَالِصُ رَجَائِي وَخَوْفِي

و بر درگاه تو ای یگانه ام همتم معتکف شده و در آنچه به حضور توست شوقم گشاده و تمام امید و هراسم از تو

وَبِكَ أَنْسُ مَحَبَّتِي وَإِلَيْكَ أَلْقَيْتُ يَدِي وَبِحَبْلِ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ رَهْبَتِي

و انس و محبتم منحصر به تو و بسوی تو دو دست امید گشوده ام و به رشته طاعتت با هراسم درآویخته ام

(يَا) مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي وَبِمُنَاجَاةِكَ بَرَدْتُ أَلَمَ الْخَوْفِ عَنِّي يَا مَوْلَايَ وَيَا مُؤَمِّلِي وَيَا مُنْتَهَى سُؤْلِي

ای مولای من به یاد تو دلم زنده است و به مناجاتت الم ترس (فراق) را از خود تسکین می دهم پس ای مولای من و ای آرزوی دل من و ای منتهای مقصودم



فَرَّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ ذَنْبِي الْمَانِعِ لِي مِنْ لُزُومِ طَاعَتِكَ

تو میان من و گناهانم که مانع ملازمت طاعتت می شود جدایی افکن

فَإِنَّمَا سَأَلْتُكَ لِقَدِيمِ الرَّجَاءِ فِيكَ وَعَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ الَّذِي أُوجِبْتَهُ عَلَيَّ نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ

که من به امید همیشگی و آرزو و طمع بزرگ که به حضرتت داشتم ام از تو درخواست حاجت می کنم که تو بر ذات خویش رأفت و رحمت به بندگان را لازم کرده ای

فَالْأَمْرُ لَكَ وَحَدُّكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ وَالْمَخْلُوقُ كُلُّهُمْ عِيَالُكَ وَفِي قَبْضَتِكَ

پس ای خدا فرمان در همه عالم با توست و تو را شریکی نیست و خلق همه عیال و ریزه خور خوان احسان تواند و در قبضه قدرت تو

وَكُلُّ شَيْءٍ خَاضِعٌ لَكَ تَبَارَكْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

و همه موجودات عالم پیش حضرتت خاضع و فروتنند بزرگوار خدایی ای پروردگار عالمیان



إِلَهِي ارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي وَكَلَّ عَنْ جَوَابِكَ لِسَانِي وَطَاشَ عِنْدَ سُؤَالِكَ إِتْيَايَ لُبِّي

ای خدا در آن هنگام که حجت من قطع می شود و زبانم از جوابت لال و عقل و هوشم مضطرب می گردد در آن حال بر من ترحم فرما

يَا عَظِيمَ رَجَائِي لَا تُحَيِّنِي إِذَا اشْتَدَّتْ فَاقَتِي وَلَا تُرُدَّنِي لِجَهْلِي

ای امید بزرگ من گاه فقر و فاقه سخت مرا از کرمات محروم مساز و بواسطه جهل و نادانیم از درگاهت مران

وَلَا تَمْنَعْنِي لِقَلَّةِ صَبْرِي أُعْطِنِي لِفَقْرِي وَارْحَمْنِي لِضَعْفِي

و به کم صبری منعم از لطفت مکن و چون فقیرم عطایم بخش و چون ناتوانم به عالم ترحم کن

سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعْتَمِدِي وَمُعَوَّلِي وَرَجَائِي وَتَوَكَّلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلُّقِي

ای سید من تمام اعتماد و اطمینان خاطر و امیدو توکل من به توست و به رحمت بی پایانت دل بسته ام



وَبِفَنَائِكَ أَحْطُ رَحْلِي وَبِجُودِكَ أَقْصِدُ (أَقْصِرُ) طَلْبِي وَبِكَرَمِكَ أَيُّ رَبِّ اسْتَفْتِحُ دُعَائِي

و به درگاه احسانت بار افکنده ام و به جود و بخشش از تو مقصودم را می طلبم و به امید کرمت ای پروردگار دست دعا بسویت می گشایم

وَلَدَيْكَ أَرْجُو فَاقْتَبِي (ضِيَا فِئْتِي) وَبِعِنَاكَ أَجْبُرُ عَيْلَتِي

و فقر و بی نواییم را نزد تو آورده و پریشانی و نداریم را به غنا و بی نیازی تو جبران می کنم

وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي وَإِلَى جُودِكَ وَكَرَمِكَ أَرْفَعُ بَصْرِي وَإِلَى مَعْرُوفِكَ أُدِيمُ نَظْرِي

و زیر سایه عفو تو ایستاده ام و به جود و کرمت چشم گشوده و به احسان قدیمت همیشه نظر دارم

فَلَا تَحْرِقْنِي بِالنَّارِ وَأَنْتَ مَوْضِعُ أَمَلِي وَلَا تُسَكِّنِي الْهَلَاوِيَةَ فَإِنَّكَ قُرَّةُ عَيْنِي

پس مرا به آتش (قهرت) مسوزان که تو محل امیدواری منی و در هاویه دوزخم جای مده که تو روشنی چشمم و نشاط قلب منی



يَا سَيِّدِي لَا تُكَذِّبْ ظَنِّي بِإِحْسَانِكَ وَمَعْرُوفِكَ فَإِنَّكَ ثِقَتِي وَلَا تَحْرِمْنِي ثَوَابَكَ فَإِنَّكَ الْعَارِفُ

بِفَقْرِي

ای سید من حسن ظنم را به عطا و احسانت ثابت گردان که تو محل وثوق منی و از ثواب خود محرومم مساز
چرا که از فقر و پریشانیم آگاهی

إِلَهِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُقَرِّبْنِي مِنْكَ عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الْإِعْتِرَافَ إِلَيْكَ بِذُنُوبِي وَسَائِلَ

عَلَّي

ای خدا اگر اجل من نزدیک شده و عملم مرا به مقام قرب تو نرسانید من هم اعتراف به گناهم را اسباب عذر
گردانیده ام

إِلَهِي إِنْ عَفَوْتَ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ

ای خدا اگر تو عفو کردی که سزاوارتر از تو به عفو است

وَإِنْ عَذَّبْتَ فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ فِي الْحُكْمِ أَرْحَمُ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غَرِيبِي

و اگر عذاب کردی که از تو در حکم عادل تر است خدا در این دنیا به حال غربتم رحم کن



وَعِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتِي وَفِي الْقَبْرِ وَحَدَّتِي وَفِي اللَّحْدِ وَحُشْتِي وَإِذَا نُشِرْتُ لِلْحِسَابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذُلًّا

مَوْقِفِي

و هنگام مرگ بر غم و حسرت و در لحد به تنهایی و وحشتم رحم کن و چون برای حساب نامه عملم گشوده شود به حال ذلتم در پیشگاه عظمتت ترحم فرما

وَاعْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَلَيَّ الْأَدَمِيِّينَ مِنْ عَمَلِي وَأَدِمْ لِي مَا بِهِ سَتَرْتَنِي

و گناهانی را که از چشم مردم پنهان است بر من ببخش و لطفی که به آن گناهم را مستور کرده ای برقرار دار

وَارْحَمْنِي صَرِيحًا عَلَى الْفِرَاشِ تَقْلُبْنِي أَيْدِي أَحِبَّتِي

باز هم ترحم کن آنگاه که در بستر مرگ افتاده ام و قادر بر حرکت نیستم و دست دوستان مرا حرکت می دهد

وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ مَمْدُودًا عَلَى الْمُغْتَسَلِ يُقَلِّبُنِي (يُغَسِّلُنِي) صَالِحُ جِيرَتِي

و تفضل فرما آنگاه که در وقت غسل دادن دست همسایگان صالح به راست و چپم می گرداند



وَتَحَنَّنَ عَلَيَّ مَحْمُولًا قَدْ تَنَاوَلَ الْأَقْرَبَاءُ أَطْرَافَ جَنَازَتِي وَجَدُّ عَلَيَّ مَنَقُولًا قَدْ نَزَلَتْ بِكَ وَحِيدًا فِي
حُفْرَتِي

و لطف و مهربانی کن آنگاه که خویشانم اطراف جنازه ام را بر گرفته اند و آنگاه که از این جهان رخت بر بستم و در قبر بر حضرتت غریب و تنها وارد شدم

وَارْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجُدِيدِ غُرْبَتِي حَتَّى لَا أَسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ

بر من ببخش و در آن منزل تازه بر غریبتم ترحم فرما تا آنجا هم انس و الفت به غیر تو نگیرم

يَا سَيِّدِي إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي هَلَكَتْ سَيِّدِي فَبِمَنْ أَسْتَعِيْثُ إِنْ لَمْ تُقَلِّبْ عَثْرَتِي

ای سید من اگر تو مرا به خود واگذاری هلاک خواهم شد ای آقای من اگر تو از لغزش هایم درنگذری پس من بسوی که پناه برم و به درگاه که زاری کنم

فَالِي مَنْ أَفْزَعُ إِنْ فَقَدْتُ عِنَايَتَكَ فِي ضُجْعَتِي وَإِلَى مَنْ أَلْتَجِيْ إِنْ لَمْ تُنْفِسْ كُرْبَتِي

و اگر عنایتت در خوابگاه مرگ شامل حالم نشود به کدام در پناهنده شوم اگر تو غم و اندوهم زایل نگردانی



سَيِّدِي مَنْ لِي وَمَنْ يَرْحَمُنِي إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي وَفَضْلَ مَنْ أَوْمَلُ إِنْ عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتِي

ای آقای من اگر تو به من رحم نکنی من که را دارم و که به من رحم خواهد کرد و اگر فضل تو شاملم نگردد به فضل و کرم که روز بیچارگی امیدوار باشم

وَإِلَى مَنْ الْفِرَارُ مِنَ الذُّنُوبِ إِذَا انْقَضَى أَجَلِي سَيِّدِي لَا تُعَذِّبْنِي وَأَنَا أَرْجُوكَ

و بسوی که از گناهانم آنگاه که اجلم فرا رسد توامم گریخت ای آقای من مرا عذاب مکن چرا که به تو امیدوارم

إِلَهِي (اللَّهُمَّ) حَقِّقْ رَجَائِي وَأَمِنْ خَوْفِي فَإِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبِي لَا أَرْجُوفِيهَا (هَذَا) إِلَّا عَفْوَكَ

ای خدا امیدم را به حضرت کریمت ثابت و محقق ساز و ترسم را به ایمنی مبدل گردان که از بسیاری گناهان جز به عفو و بخششت به جایی امید ندارم

سَيِّدِي أَنَا أَسْأَلُكَ مَا لَا أَسْتَحِقُّ وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

ای سید من از تو چیزی می طلبم که استحقاق آن ندارم اما تو اهل تقوی و آمرزشی



فَاغْفِرْ لِي وَالْبِسْنِي مِنْ نَظْرِكَ ثَوْبًا يُغْطِي عَلَيَّ التَّبَعَاتِ

پس تو از من درگذر و به نظر لطف لباسی که زشتی هایم بپوشاند در پوشان

وَتَغْفِرْ هَالِي وَلَا أُطَالِبُ بِهَا إِنَّكَ ذُو مَنْ قَدِيمٌ وَصَفْحٌ عَظِيمٌ وَتَجَاوُزٌ كَرِيمٌ

و از آن اعمال زشت درگذر که دیگر مؤاخذه ام نفرمایی چرا که تو صاحب احسان همیشگی و بخشش عظیم و گذشت بزرگوارانه ای

إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ سَيِّبَكَ عَلَيَّ مَنْ لَا يَسْأَلُكَ وَعَلَى الْجَاهِدِينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ

ای خدا تو آن کریمی که احسانت بر آنکس هم که از تو درخواست نکند افاضه می شود بلکه بر منکران خدائیت هم می رسد

فَكَيْفَ سَيِّدِي بَمَنْ سَأَلَكَ وَأَيُّقِنَنَّ أَنَّ الْخَلْقَ لَكَ وَالْأَمْرَ إِلَيْكَ تَبَارَكَتْ وَتَعَالَيْتْ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

پس چگونه بر آنکس که از تو مسئلت کرده و بیقین کامل می داند که خلق همه از تو و فرمان بر خلق مختص توست نخواهد رسید بزرگوار و بلند مرتبه ای ای پروردگار عالم



سَيِّدِي عَبْدُكَ بِبَابِكَ أَقَامْتَهُ الْخِصَاصَةَ بَيْنَ يَدَيْكَ يَقْرَعُ بَابَ إِحْسَانِكَ بِدُعَائِهِ

ای آقای من بنده مسکین تو را فقر و بیچارگی به درگاه کرم تو باز داشته و حلقه بر در احسانت به دعا می زند

(وَلَيْسَتْ عَطْفٌ جَمِيلٌ نَظْرِكَ بِمَكُونِ رَجَائِكَ) فَلَا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ عَنِّي

پس تو به بزرگواری و کرم روی از وی مگردان

وَاقْبَلْ مِنِّي مَا أَقُولُ فَقَدْ دَعَوْتُ (دَعْوَتَكَ) بِهَذَا الدُّعَاءِ

و تقاضاهایم قبول فرما که من به این دعای (مفصل) تو را خواندم

وَ أَنَا أَرْجُو أَنْ لَا تُرَدِّدَنِي مَعْرِفَةً مِنِّي بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ

و امید آن دارم که دعایم رد نفرمایی چرا که من به رأفت و مهربانی تو آگاهم

إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي لَا يُحْصِيكَ سَائِلٌ وَلَا يَنْقُصُكَ نَائِلٌ أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ

ای خدا تو آن کریمی که سائل تو را خسته نمی کند و از عطا و بخشش تو را نقصانی نمی رسد تو در اوصاف کمال بمقامی که خود ستایش خویش توانی کرد و برتری از آنچه ما بگوییم



اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ صَبْرًا جَمِيلًا وَفَرَجًا قَرِيبًا وَقَوْلًا صَادِقًا وَأَجْرًا عَظِيمًا

ای خدا من از تو درخواست می کنم صبری نیکو و گشایشی نزدیک و زبانی گویای بصدق و حقیقت و پاداشی بزرگ از تو درخواست می کنم

أَسْأَلُكَ يَا رَبِّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ

ای پروردگار از خیر و خوبی ها همه را آنچه دانسته و آنچه را ندانسته ام باز درخواست می کنم

أَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَأَجْوَدَ مَنْ أُعْطِيَ

ای خدا از بهترین آنچه بندگان صالحت از تو درخواست کردند ای بهترین کسی که از او درخواست توان کرد و ای بهترین عطا بخش

أَعْطِنِي سُؤْلِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَوَالِدِي وَوَلَدِي (وَلَدِي) وَأَهْلِي حُزَانَتِي وَإِخْوَانِي فِيكَ

درخواست مرا درباره شخص خود و اهل بیتم و والدینم و خاندانم و برادران خدا پرستم همه را عطا فرما



(وَ) أَرْغِدْ عَيْشِي وَأُظْهِرْ مَرْوَتِي وَأَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي

و عیشم را خوش و مروت و فتوتم را محکم و آشکارا گردان و جمیع احوالم را اصلاح فرما

وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطَلَّتْ عُمُرُهُ وَحَسُنَتْ عَمَلُهُ وَأَتَمَّمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ وَرَضِيتَ عَنْهُ

و مرا از آنان قرار ده که عمرش طولانی و عملش نیکو و نعمت را بر او کامل گردانیده ای و از او خوشنودی

وَاحْيَيْتَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً فِي أَدْوَمِ السُّرُورِ وَأَسْبَغَ الْكِرَامَةَ وَأَتَمَّ الْعَيْشَ

و حیات خوش با نشاط دایم ابدی با نیکوترین مکرمت و تمام ترین زندگانی به او مرحمت فرموده ای

إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَلَا تَفْعَلُ (يَفْعَلُ) مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ

که تو خدایی و هر چه خواهی به قدرت کامله می کنی و غیر تو کسی هر چه بخواهد نتواند کرد

اللَّهُمَّ خُصَّنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ وَلَا تَجْعَلْ شَيْئًا مِمَّا أَتَقَرَّبُ بِهِ فِي آنَاءِ اللَّيْلِ

ای خدای من مرا به ذکر خاص خود مخصوص گردان و هر عمل که برای تقرب به حضرتت بجای آرم در ساعات

شب



وَاطْرَافِ النَّهَارِ رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً وَلَا أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَأَجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ

و اطراف روز رياء و خودنمايي و بطالت و عياشي قرار مده و مرا از بندگان خاشع خود بگردان

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ وَالْأَمْنَ فِي الْوَطَنِ وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ

خدایا مرا روزی وسیع عطا کن و نعمت امنیت بخش و اهل و مال و فرزندم را مایه روشنی چشم و شادی خاطر گردان

وَالْمَقَامَ فِي نِعْمِكَ عِنْدِي وَالصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ

و نعمت هایی که مرا عطا کرده ای پاینده ساز و تنم را سالم و نیرومند و دینم را (از دست شیطان) محفوظ دار

وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتَنِي

و پیوسته عمرم را به کار طاعت خود و رسولت محمد صلی الله علیه و آله بدار



وَأَجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِيبًا فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَتُنزِلُهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

و مرا از آن بندگان که نزد تو نصیبشان از همه وافتر است مقرر فرما هم در خیر و برکتی که نازل کرده ای و می کنی در ماه مبارک رمضان در شب قدر

وَمَا أَنْتَ مُنْزِلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنْ رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا وَعَافِيَةٍ تُلْبِسُهَا

و هم آنچه در هر سال نازل خواهی کرد و از رحمتت که منتشر بر خلق می گردانی نصیبم ده و هم لباس عافیتی که به بندگان می پوشانی بر من بپوشان

وَبَلِيَّةٍ تَدْفَعُهَا وَحَسَنَاتٍ تَتَقَبَّلُهَا وَسَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَزُ عَنْهَا

و هر بلیه و آلامی که برطرف می کنی و خوبی ها که می گردانی و گناهای که از آن در می گذاری مرا بهره مند ساز

وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا (عَامِي) هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ وَاارْزُقْنِي رِزْقًا وَاسِعًا مِنْ فَضْلِكَ
الْوَاسِعِ

و هم ای خدا حج بیت الحرامت را در این سال و همه سال دیگر و رزق وسیع از فضل و کرم بی پایانت نصیبم فرما



وَاصْرِفْ عَنِّي يَا سَيِّدِي الْأَسْوَاءَ وَأَقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَالظُّلَامَاتِ حَتَّى لَا أَتَأَذَى بِشَيْءٍ مِنْهُ

و شر و بدی ها را ای آقای من از من دفع گردان و دین و مظالم را به کرمت ادا ساز تا دیگر در اذیت و رنج و غم از قبل هیچ یک از آنها نباشم

وَخُذْ عَنِّي بِالسَّمَاعِ وَأَبْصَارِ أَعْدَائِي وَحُسَادِي وَابْغَيْنِ عَلَيَّ

و چشم و گوش دشمنان و حسودان و بیدادگران را بر من ببند

وَأُضْرِبْ عَلَيَّ مِنْهُمْ وَأَقْرِعْ عَيْنِي (وَحَقِّقْ ظَنِّي) وَفَرِّحْ قَلْبِي

و مرا بر آنها منصور و غالب گردان و دیده ام روشن و دلم شاد فرما

وَاجْعَلْ لِي مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي فَرْجًا وَمَخْرَجًا وَاجْعَلْ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمِي

و از هر هم و غم و پریشانیم گشایش و رهایی بخش و هر که از قصد با من سوء قصدی کند زیر قدم قدرتم پایمالش ساز



وَكَفَّنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ وَشَرَّ السُّلْطَانِ وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي وَطَهَّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا

و شر شیطان و شر سلطان و شر اعمال بدم را از من کفایت فرما و از تمام گناهان مرا پاک گردان

وَأَجْرِنِي مِنَ النَّارِ بَعْفُوكَ وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَزَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ

و به عفو و کرمت از آتش دوزخم نجات بخش و به لطف و رحمتت به بهشت ابدم داخل گردان و به فضلت با حور العینم قرین ساز

وَأَلْحِقْنِي بِأَوْلِيَاءِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ

و مرا با اولیاء صالح خود یعنی محمد و آلش محشور گردان که آنان نیکویان و پاکان و پاکیزگان و برگزیدگان عالمند

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ وَعَلَى أَجْسَادِهِمْ وَأَرْوَاحِهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

درود و رحمت و برکاتت بر آنها باد و بر جسم و جان آنان باد



إِلَهِي وَسَيِّدِي وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَيْسَ طَالِبْتَنِي بِذُنُوبِي لِأُطَالِبَنَّكَ بِعَفْوِكَ

ای خدای من و سید من بعزت و جلالت قسم که اگر تو از من به گناهانم بازخواست کنی من هم بعفو و بخششت از تو بازخواست خواهم کرد

وَلَيْسَ طَالِبْتَنِي بِلُؤْمِي لِأُطَالِبَنَّكَ بِكَرَمِكَ وَلَيْسَ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ لِأُخْبِرَنَّ أَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ

و اگر از من به خواریم بازخواست کنی من هم به کرم و بزرگواریت از تو بازخواست خواهم کرد و اگر به دوزخم داخل سازی اهل آتش را از محبتم به تو آگاه می سازم

إِلَهِي وَسَيِّدِي إِنْ كُنْتَ لَا تَغْفِرُ إِلَّا لِأَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ فَإِلَى مَنْ يَفْزَعُ الْمَذْنُوبُونَ

ای خدای من و سید من اگر تو بر غیر اولیاء خود و اهل طاعت خویش نبخشایی پس گناهکاران به درگاه که تضرع و زاری کنند

وَإِنْ كُنْتَ لَا تُكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ فَبِمَنْ يَسْتَعِيثُ الْمُسِيئُونَ

و اگر تو با غیر وفاداران اکرام و احسان نفرمایی پس بد کاران به درگاه که پناهنده شوند



إِلَهِي إِنْ أَدْخَلْتَنِي النَّارَ فَبِي ذَلِكَ سُورُورِي وَإِنْ أَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ فَبِي ذَلِكَ سُورُورِي

ای خدا اگر مرا در آتش بری در این صورت دشمنت (شیطان) شاد می شود و اگر در بهشت بری پیغمبرت شاد خواهد شد

وَأَنَا وَاللَّهِ أَعْلَمُ أَنَّ سُورُورِي أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ سُورُورِي عَدُوِّكَ

و من قسم به خدا یقین دارم که تو سرور پیغمبرت را دوست تر داری از سرور دشمنت

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ وَخَشْيَةً مِنْكَ وَتَصْدِيقًا بِكِتَابِكَ

ای خدا از تو درخواست می کنم که دلم را مملو از دوستی خود گردانی و سراسر قلبم را پر خوف و خشیت خود و تصدیق بکتاب خود

وَإِيْمَانًا بِكَ وَفِرْقَانًا مِنْكَ وَشَوْقًا إِلَيْكَ

و ایمان کامل بحضرت گردانی و دلم را پر غم و اندوه خود و شوق لقای خویش سازی



يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ حَبِّبْ إِلَيَّ لِقَاءَكَ وَأَحْبِبْ لِقَائِي وَاجْعَلْ لِي فِي لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَالْفُرْجَ وَ الْكَرَامَةَ

ای خدای صاحب جلال و بزرگواری ملاقات خود را محبوب من و ملاقات مرا محبوب خود گردان و در هنگام
لقای خویش برایم راحتی و گشایش و کرامت مقرر فرما

اللَّهُمَّ أَحْقِنِي بِصَالِحٍ مَنْ مَضَى وَاجْعَلْنِي مِنْ صَالِحٍ مَنْ بَقِيَ وَخُذْ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ

ای خدا مرا به صالحان گذشته در پیوند و از صالحان باقی قرار ده و به راه صالحانم رهوار سازد

وَأَعِنِّي عَلَى نَفْسِي بِمَا تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَأَخْتِمْ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ

و مرا بر مخالفت هوای نفس خود به آنچه صالحان را یاری کردی مدد فرما و ختم کارم را نیکوترین عمل گردان

وَاجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَعِنِّي عَلَى صَالِحٍ مَا أَعْطَيْتَنِي

و پاداشم را از آن عمل نیک به رحمتت بهشت ابد قرار ده و مرا یاری کن که هر نعمتی که به من عطا کرده ای
به شایستگی و صلاح کار بندم



وَبَثَّنِي يَا رَبِّ وَلَا تَرُدَّنِي فِي سُوءِ اسْتِقْدَاتِي مِنْهُ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

و مرا ای خدا ثابت قدم بدار و بسوی بلا و مهلکه‌ای که از آنم نجات داده ای بر مگردان ای پروردگار عالم

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ أَحِينِي مَا أَحْيَيْتَنِي عَلَيْهِ وَتَوَفَّنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ

ای خدا از تو درخواست می کنم ایمان ثابتی که تا روز لقای تو باقی ماند و بر آن ایمان تا زنده ام مرا باقی دار و بر آن بمیران

وَابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ وَأَبْرِئْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَالشَّكِّ وَالسُّمْعَةِ فِي دِينِكَ حَتَّى يَكُونَ عَمَلِي خَالِصًا لَكَ

و بر آن ایمانم در قیامت برانگیز و دلم را از ریا و خود نمایی و شک و ظاهر سازی در دینت بیزار گردان تا عملم خالص برای تو باشد

اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ وَفَهْمًا فِي حُكْمِكَ وَفَقْهًا فِي عِلْمِكَ وَكَفْلًا مِنْ رَحْمَتِكَ

ای خدا مرا بصیرتی در دین خود و فراستی در حکم خود و فهم و هوشی در علم کتاب خویش عطا فرما و کفلین از رحمتت بخش



وَرَعَائِجُزْنِي عَنْ مَعَاصِيكَ وَيَيْضُ وَجْهِي بِنُورِكَ وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ

و مقام ورعی بخش که مانع از هر چه عصیان توست شود و به نور معرفتت رو سفیدم کن و میل و رغبتم را به آنچه در جهان باقی نزد توست معطوف گردان

وَتَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

و مرا به راه (رضای) خود و بر آیین پیغمبرت صلی الله علیه و آله بمیران

اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفُسْلِ وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْجُلِّ وَالْعَفْلَةِ وَالْقَسْوَةِ

ای خدا پناه می برم به تو از صفات رذیله ترس و بد دلی و کسالت و مهملی و اندوه و هراس و بخل و غفلت و قساوت قلب

(وَالذَّلَّةِ) وَالْمُسْكِنَةِ وَالْفَقْرَ وَالْفَاقَةَ وَكُلَّ بَلِيَّةٍ وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ

و فقر و بیچارگی و هر بلیه و رنج و هر زشتی ظاهر و باطن



وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ

و نیز پناه می برم به تو از نفسی که قناعت نکند و شکمی که از دنیا سیر نشود و دلی که از تو خاشع و ترسان نباشد و از دعایی که مستجاب نشود و عملی که سود نبخشد

وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبِّ عَلَى نَفْسِي وَدِينِي وَمَالِي وَعَلَى جَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

و نیز پناه می برم به تو ای خدا که جان و دین و مال و هر نعمتی روزیم کردی همه را از دستبرد دیو رجیم محفوظ داری که البته تو شنوای دانایی

اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ وَلَا أَجِدُ مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِداً فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ

ای خدا هیچکس مرا از قهر تو پناه نتواند داد و جز تو ملجأ و پناهی ندارم پس مرا در دنیا و عقبی به هیچ یک از عقوبت های مبتلا مگردان

وَلَا تَرُدَّنِي بِهَلَاكَةٍ وَلَا تَرُدَّنِي بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

و به هیچ مهلکه و عذاب دردناک باز میفکن



اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَأَعْلِلْ (كَعْبِي وَ) ذِكْرِي وَارْفَعْ دَرَجَتِي وَحُطِّ وِزْرِي وَلَا تَذْكَرْنِي بِخَطِيئَتِي

ای خدا عملم بپذیر و نامم بلند گردان و درجه ام رفیع ساز و گناهم بریز و خطایم را یاد آورم مساز

وَاجْعَلْ ثَوَابَ مَجْلِسِي وَثَوَابَ مَنْطِقِي وَثَوَابَ دُعَائِي رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ

و پاداش نشستن و سخن گفتن و دعا و تضرع را رضا و خوشنودیت و بهشت ابدت قرار ده

وَأَعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ إِنِّي إِلَيْكَ رَاغِبٌ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

و ای خدا به کرمت هر چه درخواست کردم همه را عطا فرما و زیاده بر آن از فضل و رحمتت ببخش که دل من ای پروردگار عالم بسوی تو مایل و مشتاق است

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ (الْعَفْوَ وَأَمْرَتَنَا) أَنْ نَعْفُو عَمَّنْ ظَلَمْنَا

ای خدا تو در کتابت آیاتی نازل فرمودی که ما از هر کس در حقمان ظلم و ستم کرده عفو کنیم

وَقَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَأَعْفُ عَنَّا فَإِنَّكَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنَّا

و ما در حق نفس خود ظلم کردیم تو هم از ظلم ما عفو فرما که تو در این عفو و بخشش از ما سزاوارتری



وَأَمَرْتَنَا أَنْ لَا نَرُدَّ سَائِلًا عَنْ أَبْوَابِنَا وَقَدْ جِئْتِكَ سَائِلًا فَلَا تَرُدَّنِي إِلَّا بِقَضَاءِ حَاجَتِي

و باز به ما امر فرمودی که سائلی را از درگاه خود محروم برنگردانیم و من هم سائلم بدرگاه کرمت پس مرا تا حاجتم روا نسازی باز مگردان

وَأَمَرْتَنَا بِالْإِحْسَانِ إِلَى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُنَا وَنَحْنُ أَرْقَاؤُكَ فَأَعْتِقْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ

و باز امر فرمودی که در حق هر که در ملک و تصرف ماست نیکی و احسان کنیم و ما بندگان تویم تو هم در حق ما نیکی کن و از آتش قهرت آزادمان ساز

يَا مَفْزَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَيَا غَوْثِي عِنْدَ شِدَّتِي

ای آنکه هنگام بلا و رنج ملجأ و پناه و در سختی‌ها فریادرس مایی

إِلَيْكَ فَزِعْتُ وَبِكَ اسْتَعْتُ وَلَذْتُ لَا الْوُدُ بِسِوَاكَ وَلَا أَطْلُبُ الْفُرْجَ إِلَّا مِنْكَ

من به درگاه تو می نالم و تو را فریادرس می دانم و به تو پناه آورده ام نه به کسی دیگر جز تو و از دری جز درگاهت گشایشی نمی طلبم



فَأَغْنِنِي وَفَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ يُفكُّ الْأَسِيرَ (يَقْبَلُ الْيُسِيرَ) وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ

پس تو ای خدا بفریادم رس و عقده های قلبم بگشا ای آنکه اسیران را آزاد می کنی و از گناهکاران بسیار در می گذری

اقْبَلْ مِنِّي الْيُسِيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ

از من هم این عمل کم بپذیر و از گناهان بسیارم درگذر که تو بسیار مهربان و آمرزنده ای

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا تَبْأَسِرُ بِهِ قَلْبِي وَيَقِينًا (صَادِقًا) حَتَّى أَعْلَمَ أَنَّهُ لَنْ يُضَيِّبَنِي إِلَّا مَا كَتَبْتَ لِي

ای خدا من از تو درخواست می کنم ایمانی ثابت که همیشه در قلبم برقرار باشد و یقینی کامل تا بدانم که به من جز آنچه قلم تقدیر تو نگاشته نخواهد رسید

وَرَضْنِي مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و مرا در زندگانی به هر چه قسمتم کردی راضی و خشنود سازی ای مهربان ترین مهربانان عالم.